

نصر آزادانی روی جلد مارکا



اواسط آذر ماه بود که خبر صدور حکم اعدام برای امیر نصر آزادانی، فوتبالیست سابق باشگاه تراکتورسازی حساسی سر و صدای پا کرد. چهره‌های ورزشی ایران از جمله سردار آزمون، سعید عزت‌اللهی، سهراب بختیاری زاده، مسعود شجاعی، سیامک نعمتی، محمد نصرتی، مهدی مهدوی کیا و علیرضا بیرانوند خیلی زود دست به کار شدند و با حمایت از این فوتبالیست، خواستار لغو این حکم شدند. به دنبال این حمایت‌ها، قوه قضائیه موضوع را تکذیب و اعلام کرد حکمی برای او صادر نشده و تنها تحقیقات پرونده نصر آزادانی در دادسرا انجام و کیفرخواست برای وی صادر شده است. پس از این ماجرا، نصر آزادانی همچنان در بازداشت به سر می‌برد و حمایت‌ها از او ادامه دارد. حمایت‌هایی که البته فراتر از ورزشکاران ایران رفت و توسط چهره‌های بین‌المللی انجام شد. از جمله این افراد می‌توان به رادامل فالکو اشاره کرد. ملی‌پوش کلمبیایی و بازیکن سابق تیم‌های آتلانتیکو و ماریدو چلسی در توئیتر خود گفته است: «حکم اعدام امیر نصر آزادانی قابل قبول نیست. همه در کنار او هستیم و از این فوتبالیست حمایت می‌کنیم.» در ادامه این حمایت‌ها، نشریه اسپانیایی مارکا هم که از معروف‌ترین و پرتیراژترین رسانه‌های ورزشی دنیا است، به حمایت از این بازیکن فوتبال پرداخت و عکس نصر آزادانی را روی جلد برد و این تیترا به او اختصاص داد: «میر تروریست نیست و ما باید او را آزاد کنیم»

منتهای فوتبال

پادشاه برابر زنان و مردان در آمریکا

کمیته بین‌المللی المپیک چندسالی است مسابقات مختلف را با هدف برابری زنان و مردان ورزشکار برگزار می‌کند. موضوعی که رفته رفته شکل گرفت و حالا قرار است المپیک ۲۰۲۴ پاریس کاملاً بین زنان و مردان تقسیم شود. البته در این بین برخی کشورها از این نگاه هم فراتر رفتند و تعداد بانوان ورزشکارانش بیشتر از مردان بود. مثل کاروان آمریکا که المپیک توکیو که تعداد بیشتری از ورزشکارانش از زنان تشکیل دادند. این جریان در حالی شکل گرفته که سرعنان در ورزش ایران بسیار کندانست. همچنان بسیاری از تیم‌های بانوان باشکات اعزام روبرو می‌دهند و مستودر می‌دینند مثل بازی‌های آسیایی بافیلتری به عنوان کیفیت مواجه می‌شوند که درهای تجربه را روی آنها می‌بندد. در آن سوی دنیا اما اهمیت به ورزش زنان به خوبی انجام می‌شود. به عنوان مثال به تازگی مجلس نمایندگان آمریکا طرحی را تصویب کرد که طبق آن تمام ورزشکاران زن آمریکا یک به اندازه مردان پادشاه خواهند گرفت. به گزارش «ساکرنت» این برنامه پیش از ۲۰۰۸ در کشور ورزشی در آمریکا پوشش می‌دهد و کمیته المپیک و پارالمپیک ایالات متحده بر اجرای آن نظارت خواهند داشت.

خدا حافظی نوری با تشک کشتی

رقابت‌های کشتی فرنگی قهرمانی کشور در حالی از ۳۰ آذر به عنوان اولین مرحله از چرخه انتخابی تیم ملی فرنگی در سال ۲۰۲۳ آغاز شد که شاهد خدا حافظی یکی از ملی‌پوشان عنوان دار با دنیای قهرمانی بود. حسین نوری، ملی‌پوش سابق کشتی فرنگی ایران پس از شکست مقابل چمن گلی در دور نخست رقابت‌ها، از دنیای قهرمانی خدا حافظی کرد. نوری در حالی که اشک از چشمانش جاری شده بود، روی دوش امیر قاسمی منجزی فرنگی کار سنگین وزن خوزستانی دور افتخار زد و برای همیشه از دنیای قهرمانی خدا حافظی کرد. نوری در سال ۲۰۱۷ مدال برنز مسابقات جهانی پاریس را به دست آورد و در این سال هابریا دوبندوزن ۸۷ کیلوگرم با امین طاهری و ناصر علیزاده رقابت می‌کرد. او در سال ۲۰۱۸ هم مدال طلای بازی‌های آسیایی جاکارتا را به گردن آویخت. نوری در جام تختی ۱۴۰۰ که اسفند در اواز برگزار شد، مقابل ناصر علیزاده تن به شکست داد تا این کشتی گیر جوان در مسابقات جهانی بلغراد نماینده ایران باشد. پیش از آن نیز، نوری نماینده ۸۷ کیلوگرم ایران در دومین مسابقه گزینشی المپیک ۲۰۲۰ توکیو بود و در حالی که از حریف پیش بود، در ۴۰ ثانیه پایانی مغلوب شد تا دستش از رسیدن به سهمیه المپیک کوتاه بماند.

فوتبالی که هر روز آماتورتر می‌شود به آسیا برنگردید!

آریا رهنورد

این چهارشنبه، آن پنج‌شنبه و این یکی جمعه. همه این تاریخ‌هایی که برای بازگشت احتمالی یورگن لوکادیا به تهران مطرح می‌شدند، یک شوخی بزرگ بیشتر نبودند. واضح است کسی که قبل از بزرگ‌ترین بازی سال از کشور می‌رود و برای ترک ایران حتی تا دربی هم صبر نمی‌کند، به هیچ قیمتی خیال بازگشت در ذهن ندارد. به نظر می‌رسد که این شروع یک موج بسیار نگران کننده در فوتبال ایران باشد. فوتبالی که بعید نیست ظرف ماه‌های آینده، بسیاری از چهره‌های خارجی‌اش را از دست بدهد. بازگشت استقلال و پرسپولیس به لیگ قهرمانان در چنین شرایطی، بیشتر از یک خبر خوشحال کننده، شبیه یک روایت رعب‌آور است. یورگن لوکادیا از ایران رفته و بعد از چند روز، قرار دادش را نیز به صورت یک طرفه با باشگاه پرسپولیس فسخ کرده است. دلیل جدایی لوکادیا بدون شک فوتبالی نیست. آواز زندگی فوتبالی‌اش در تهران راضی بود و رابطه بسیار خوبی با هواداران باشگاه نیز داشت. به لحاظ مالی نیز او

یکی از معدود ستاره‌های خارجی این سال‌های فوتبال ایران است که تمام دستمزدها را به موقع و حتی زودتر از موعد دریافت کرده و هیچ مشکلی از این بابت ندارد. مساله لوکادیا، چیز دیگری است. او به هر دلیلی نمی‌خواسته به زندگی در ایران ادامه بدهد. ظاهراً وضعیت اینترنت و سد شدن راه برقراری ارتباط با اعضای خانواده، یکی از دلایل کلیدی این تصمیم بوده است. به هر حال پرسپولیس بهترین مهاجمش و فوتبال ایران یکی از بهترین گلزنانش را از دست داده و بعید نیست این روند خیلی زود برای بازیکنان دیگر نیز تکرار شود. باشگاه پرسپولیس برای ورود لوکادیا، انواع و اقسام ویدئوهای خاص را تدارک دیده بود. آنها حق داشتند که از جذب بازیکنی با این کارنامه درخشان خوشحال شوند. آن روزها بزرگ‌ترین نگرانی در مورد یورگن، فرار داد یک‌ساله او با پرسپولیس بود. خیلی هاندم تکرار می‌کردند که او در صورت درخشش در تهران، یا به هلند برمی‌گردد و یا راهی لیگ‌های حاشیه خلیج فارس می‌شود. این اتفاق اما حتی زودتر از اتمام قرارداد یک‌ساله این بازیکن رخ داده و او به احتمال زیاد به تیمی در لیگ هلند



ملحق خواهد شد. جالب اینکه ظاهراً به لحاظ قانونی نیز هیچ مانعی برای فسخ قرارداد این بازیکن وجود نداشته است. او با درخواست جدی سفارت هلند روبه‌رو بوده و به همین خاطر به راحتی از تیم باشگاهی‌اش جدا شده است. این اتفاق یک ضربه کاری دیگر برای فوتبال ایران است. فوتبالی که حالا برای جذب خارجی‌ها با مشکلاتی بزرگ‌تر از همیشه دست و پنجه نرم خواهد کرد.

بزرگ دیگر می‌رود. فوتبال ایران اما این روزها همیشه منزوی‌تر به نظر می‌رسد. اصلاً چه چیزی عوض شده که باید به بازگشت و حضور در خشان سرخابی هادر آسیا امیدوار باشیم؟ آیا واقعا بحث مالکیت دو باشگاه تغییر توانایی حفظ بازیکنی مثل لوکادیا را نیز ندارد و باشگاه النصر عربستان در دیگری در مالکیت دو تیم ایجاد شده است؟ آیا مساله حق پخش تلویزیونی حل شده و دو باشگاه از این پس از این راه به درآمدزایی می‌رسند؟ آیا مساله بلیت‌فروشی حل شده و همه چیز در اختیار باشگاه‌ها قرار گرفته است؟ آیا دو باشگاه توانسته‌اند در

سطح حرفه‌ای تیم بانوان راه بیندازند؟ آیا دو باشگاه آکادمی‌شان را تقویت کرده‌اند؟ بازگشت به آسیا در چنین شرایطی، احتمالاً تنها با فریب قانون ممکن می‌شود و واقعیت این مساله نیز خیلی زود آشکار خواهد شد. رفتن لوکادیا، فقط یک تلنگر برای فوتبالی است که شاید به زودی آخرین بازمانده‌های خارجی‌اش را هم از دست بدهد. فوتبالی که به لحاظ فنی هر روز نحیف‌تر می‌شود و اساساً تولید ارزش در آن، هر روز دشوارتر از روز قبل به نظر می‌رسد. فوتبالی که انگار دیگر نیمه جان شده است.

فوتبال چطور ظرف چند روز برکنار شد و فیفا حتی فرصت سوال پرسیدن در این خصوص را به دست نیاورد! عزیزی خادم با وجود رسیدن به نتایج درخشان در تیم ملی ایران، از فدراسیون رفت. طبیعتاً جدایی مهدی تاج بعد از ابرویزی در جام جهانی، آنقدر هاهم سخت نخواهد بود. با این وجود مساله هرگز به تنهایی مهدی تاج نبوده است.

مشکل فوتبال ایران را نباید به یک نفر محدود دانست. مشکل فوتبال ایران همه مدیرانی با این شکل و قواره بد از مدیریت هستند. مدیرانی که تعامل را فقط تا لحظه انتخاب‌شان می‌خواهند و بعد از آن به سادگی به همه چیز پشت می‌کنند. جالب اینکه مجری تلویزیون نیز دست به سینه روبه‌روی تاج می‌نشیند و لب از لب باز نمی‌کند و بعداً در تحلیل این رفتار به سراغ یک شعر کلیشه‌ای با مضمون «ادب مرد» می‌رود. اگر قرار است سکوت به ادب تعبیر شود، یعنی مشکلی جدی در فهم ادبیاتی وجود دارد. شما دستمزدهای گزینشی که در رسانه ملی، صدای مردم را به گوش مسئولان برسانید. نه اینکه تبدیل به کیسه بوکس مدیران شوید و ضعف و ناتوانی در اجرا را به ادب ربط بدهید! باید ببینید که برای این کار ساخته نشده‌اید و سکوت امثال شما اتفاقاً خودش از عوامل بحران مدیریتی در فوتبال ایران است.

«گر دربی گل نداشت، می‌توانستیم بگوییم که فوتبال پر از دهی نداریم اما حالا که دربی پر گل شده، فوتبال پر از دهی داشته‌ایم!» سخت به نظر می‌رسد اما باید باور کرد که این یک جمله طنز نیست. این سطح نگاه و دانسته‌های فوتبالی مرد اول فدراسیون فوتبال ایران است. مردی که به قول خودش از سال ۶۸ در سمت مدیریتی بوده اما تعداد گل‌های یک مسابقه فوتبال را عاملی برای سنجش بازدهی فوتبال می‌داند و اساساً وضعیت خاص فوتبال ایران را به تعداد گل‌های یک مسابقه تقلیل می‌دهد.

با این نوع نگاه اساساً هر نوع امیدواری به آینده فوتبال ایران در رده باشگاهی و ملی، مذموم است. با این نوع نگاه، اساساً نباید توقع داشت که فوتبال ایران در این مدت با هیچ نوعی از پیشرفت روبه‌رو شود. وقتی مدیرانی روی کار باشند که حتی بدیهیات را در مورد فوتبال نمی‌دانند، این دیوار تاثری‌ها هرگز صاف نخواهد شد!

استاد یوم ماراکانان نیز دوباره کار خودش را کرد و این بار با یک چپ دیدنی، برزلی‌ها را ناکام گذاشت. وقتی توپ از خط دروازه رد شد، چهره او که با همه وجود برای آرژانتین فریاد می‌کشید، دیدن داشت. دی مارا در یک موقعیت حساس دیگر خودی نشان داد و همه را شگفت زده کرد. داستان او و فینال‌ها تمام نشد.



این بازیکن مدتی بعد در دیدار فینالیسیمو بین آرژانتین و ایتالیا هم فوق‌العاده بود و توانست دروازه تیم مانچینی را باز کند. اوج شاهکارهای آنخل اما در فینال جام جهانی رقم خورد. بازیکنی که در همان نیمه اول برای تیمش پناهی گرفت تا ثلثو مسی بتواند گل اول بازی را به ثمر برساند. دی مارا یاد قبلی بعد روی یک ضد حمله استثنایی، گل دوم تیمش را هم زد تا به روند گلزنی و درخشش در فینال‌ها ادامه بدهد. او به نظر می‌رسد هیچ بازیکنی مثل او در لحظه‌های حساس به کمک تیمش نیامده است.

چهره به چهره

تاج در مسیر همیشگی فرار رو به جلو

نوش جان!

آریا طاری

شاید برای افرادی که تا امروز مصاحبه‌های کمی از مهدی تاج دیده بودند، گفت‌وگوی اخیر او بسیار عجیب بوده است. به نظر می‌رسد این گفت‌وگو به خصوص برای افراد غیر فوتبالی، حیرت‌آور بوده اما همه آنها می‌دانند که در این سال‌ها مهدی تاج و عملکردش را می‌شناسند، تعجبی از این مکالمه‌ها نداشتند. فرار رو به جلو اساساً شیوه محبوب مدیریت این چهره در فدراسیون فوتبال است. مردی که زمین و زمان را به هم می‌دوزد تا ثابت کند که تصمیم‌هایش درست بوده‌اند و در این راه از کنایه زدن به همه آدم‌ها نیز هراسی ندارد. این کنایه‌ها، نوش جان همه آنها می‌کند که در بازگرداندن مهدی تاج به فوتبال سهمی داشته‌اند.

فوتبال ایران دیگر نمی‌داند که باید با مهدی تاج چه کاری انجام بدهد. آواز سوزی عده‌ای به فوتبال بازگردانده شد تا شاید اشتباه‌های قبلی را جبران کند. به قول مجتبی جباری، مهدی تاج آمد تا خطاهای مهدی تاج را اصلاح کند اما نه تنها این اتفاق نیفتاد، بلکه خطاهای دیگری هم از راه رسید. حالا با مدبری طرف هستیم که از پاسخ شفاف در مورد پرونده ویلموتس نیز طفره می‌رود و اساساً دیگر به هیچ‌کس پاسخگو نیست.

در شرایط عادی تمام امضا کنندگان آن پرونده نتگین باید برای سال‌ها از هر نوع فعالیت فوتبالی محروم می‌شدند اما همان افراد حالا در ساختار فوتبال ایران حضور دارند و برای تیم ملی تصمیم می‌گیرند. بعضی‌ها به سراغ تاج رفتند تا کی‌روش سرمربی تیم ملی شود و ایران از تحقیر در امان بماند اما همین تیم عملاً در قطر تحقیر شد، سنگین‌ترین شکست تاریخش در جام جهانی را تجربه کرد و روبروی آمریکا هم بازنده شد تا مناسبت تاریخی هشتم آذر را از دست بدهد. با

اتفاق روز

دی مارا، مردی برای فینال‌های آرژانتین

مثل «فرشته» باشید!

خیلی هادوست دارند مسی باشند و به عنوان بهترین بازیکن تاریخ به یاد آورده شوند. خیلی هادوست دارند رونالدو باشند و بهترین‌ها را به چالش بکشند. خیلی‌ها دوست دارند هلند یا مابا به باشند و برای آینده بجنگند. خیلی هاهم دوست دارند امی مارتینز باشند و روی اعصاب حریف راه بروند.

یک راه دیگر هم هست که بسیار جذاب به نظر می‌رسد و آن، «دی مارا» بودن است. بازیکنی که همیشه در حساس‌ترین لحظات به کمک کشورش آمده و گره‌ها را باز کرده است. چند روز از فینال جام جهانی گذشته اما نمی‌توان دست از ستایش این بازیکن برداشت. بازیکنی که انگار متخصص گلزنی در فینال‌ها برای آرژانتین است. دی مارا در فینال المپیک ۲۰۰۸ برای آرژانتین به زمین رفت. آن روز رومن ریکلمه در ترکیب اصلی این تیم بود و همه انتظار می‌کشیدند تا گلزنی دو ستاره جوان به اسم مسی یا آگرو را ببینند.

تنها گل آن فینال را اما آنخل دی مارا به ثمر رساند. گلی که مدال طلای المپیک را به آرژانتین هدیه داد. آنخل سال‌ها بعد در فینال کوپا آمریکا در